

هندوان و آیین‌های محرم در دکن^۱

محسن معصومی^۲

استادیار دانشگاه تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

چکیده

آیین‌های مرتبط با محرم یکی از با شکوه‌ترین آیین‌های شیعی در دکن است. سلاطین مسلمان دکن با آگاهی از این واقعیت که اکثریت جامعه دکن را هندوان تشکیل می‌داده‌اند، برای ایجاد همزیستی میان مسلمانان و هندوان و نیز فراهم آوردن زمینه‌های گسترش تشیع، هندوان را به مشارکت در آیین‌های محرم تشویق می‌کردند. مشارکت هندوان در آیین‌های محرم موجب شد که به تدریج این آیین‌ها تحت تأثیر آداب و رسوم محلی، شکلی هندی و بومی به خود بگیرد. این مقاله به بررسی دلایل و انگیزه‌های مشارکت هندوان در برپایی آیین‌های محرم و پیامدهای این مشارکت از قرن نهم که تشیع در برخی از مناطق دکن رسمیت یافت تا عصر جدید و تسلط بریتانیایی‌ها بر این منطقه پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: دکن، آیین‌های محرم، هندوان، عاشورخانه، تعزیه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲.

۲. رایانامه: mmassumi@ut.ac.ir

مقدمه

مذهب تشیع پس از شکل‌گیری حکومت بهمنیان در دکن در نیمه قرن هشتم هجری به تدریج در جنوب هند نفوذ و گسترش یافت. پادشاهان بهمنی جز احمد اول (حک: ۸۲۵-۸۳۷هـ) همگی سنیانی حنفی مذهب بودند. با این حال اغلب آنها، از دانشمندان و دولتمردان شیعی مذهب حمایت می‌کردند. این حمایت‌ها باعث مهاجرت گروه زیادی از شیعیان ایرانی و عرب به دکن شد تا جایی که پس از تجزیه حکومت بهمنیان، زمینه رشد و گسترش تشیع در این منطقه به گونه‌ای فراهم شده بود که از میان پنج سلسله حکومتی که هر یک میراث‌دار بخشی از قلمرو بهمنیان شدند، سه حکومت عادلشاهیان (۸۹۵-۱۰۹۷هـ) در بیجاپور، قطب‌شاهیان (۹۰۱-۱۰۹۸هـ) در گلکنده و نظامشاهیان (۸۹۵-۱۰۴۶هـ) در احمدنگر که بنیانگذارانشان از سرداران برجسته بهمنیان بودند، دست کم در مقطعی از حکومت خویش، تشیع را به عنوان مذهب رسمی پذیرفتند و علاوه بر حمایت از شیعیان و تشویق دانشمندان شیعی مذهب برای مهاجرت به دکن، بزرگداشت آیین‌های شیعی و برگزاری مراسم مختص شیعیان به‌ویژه آیین‌های محرم را سرلوحه کار خویش قرار دادند و با همه توان به نگهداشت این آیین‌ها و برگزاری هر چه باشکوه‌تر آن همت گماشتند. علاوه بر مساجد و خانقاه‌ها که گاه محل برگزاری آیین‌های محرم بودند، مکانهایی ویژه برای چنین مراسمی به نام «عاشورخانه» در اغلب شهرها و روستاهای دکن به توسط سلاطین و دولتمردان و گاه اقشار مختلف مردم ایجاد شد. در دوره سلاطین دکن و پس از آن، یعنی در دوره حکومت اصف‌جاهیان (۱۱۳۷-۱۳۶۷هـ) در حیدرآباد و حتی تا امروز، این عاشورخانه‌ها بی‌شک پررونق‌ترین مراکز مذهبی به‌ویژه در ایام محرم بوده‌اند که توجه گروه‌های مختلف مردم اعم از شیعه، سنی و هندو را به خود جلب کرده‌اند؛ حال این که، جمعیت دکن را چه در دوره سلاطین دکن و چه پس از آن عمدتاً هندوان تشکیل می‌داده‌اند و مسلمانان و به‌ویژه شیعیان در این منطقه همیشه در اقلیت بوده‌اند. اما این مسئله هرگز از رونق و شکوه مراسم محرم در دکن نکاسته است و علاوه بر اهل سنت گروه زیادی از هندوان، با شور و شوق بسیار زیاد در این مراسم شرکت می‌کرده‌اند و حتی در برخی از شهرها و روستاها، هندوان خود متولی و بانی برپا کردن چنین مراسمی بوده‌اند و با ساخت عاشورخانه و برپایی علم و گرداندن تعزیه، عشق و علاقه خویش را به مشارکت در آیین‌های محرم نمایان می‌ساخته‌اند. این مقاله مشارکت هندوان را در برگزاری آیین‌های محرم در سه جنبه مورد مطالعه قرار می‌دهد: ۱. چگونگی و میزان مشارکت ۲. دلایل و انگیزه‌های مشارکت ۳. نتایج و پیامدهای مشارکت. و به بررسی آیین‌های محرم در قلمرو سلسله‌های سعه

مذهب دکن می‌پردازد و مشارکت هندوان در آیین‌های محرم پس از انقراض این سلسله‌ها و در دوره آصف‌جاهیان و تا تسلط بریتانیایی‌ها بر جنوب هند را نیز مورد توجه قرار می‌دهد؛ چرا که نویسنده معتقد است آیین‌ها و آداب و رسوم مربوط به محرم در دکن تا امروز، کم و بیش ادامه سنت‌های رایج در دوره سلسله‌های شیعی در این منطقه است. درخور است که آگاهی‌های ما در باره برخی از این دوره‌ها و در قلمرو برخی از سلسله‌ها بسیار محدود و ناچیز و در باره دوره‌های دیگر چون دوره قطب‌شاهیان، آصف‌جاهیان و بریتانیایی‌ها بیشتر است.

مشارکت هندوان در برگزاری آیین‌های محرم

یکی از ویژگی‌های برجسته و شگفت‌انگیز آیین‌های مربوط به محرم، مشارکت گسترده هندوان در برگزاری این آیین‌ها و مهم‌تر از آن، احساس همدلی و همراهی با آن است. به نظر می‌رسد میزان مشارکت هندوان در این مراسم در میان روستائیان و شهرهای کوچک و نیز در میان زنان هندو بیشتر از دیگران بوده است. البته این نکته به معنای نفی مشارکت هندوان در شهرهای بزرگ و پایتخت‌های سلسله‌های مسلمان و نیز در میان همه اقشار و گروه‌های مختلف هندو نیست. صاعدی شیرازی مؤلف *حدیقه السلاطین قطب‌شاهی* که کتاب خویش را در دوره عبدالله قطب‌شاه (حک: ۱۰۳۵-۱۸۳هـ)، نوشته است در بیان چگونگی برگزاری آیین‌های محرم در شهر گلکنده، با افتخار و شگفتی تمام از مشارکت هندو اعم از زنان و مردان و پسران و دختران و اغنیا و فقرا در این مراسم و تقدیم هدایا و نذورات فراوان به دسته‌های عزاداری سخن گفته است. به گفته وی، حاجت‌مندان هندو، که با توسل به دسته‌های عزاداری حاجت خویش را گرفته بودند، پسران خویش را که در ایام محرم چشم به جهان می‌گشودند، حسین می‌نامیدند.^۱ هندوان علاوه بر شرکت در دسته‌های عزاداری، خود نیز به تشکیل چنین دسته‌هایی اقدام می‌کردند و برخی از راجه‌ها و خاندان‌های متمول، همه هزینه‌های راه‌اندازی این دسته‌ها را پذیرا می‌شدند و با اسراف و ولخرجی تمام به عرضه غذا و شربت و خوراکی‌های متنوع در میان عزاداران می‌پرداختند.^۲ یکی از گروه‌های هندو که در شهر حیدرآباد به همان سبک و سیاق شیعیان، دسته عزاداری به را می‌اندازند، گروهی موسوم به «برهمنان حسینی»^۳

۱. صاعدی شیرازی، ۵۸.

۲. خانزمان‌خان، ۵۲۶، ۵۷۷، ۵۷۹، ۵۸۰؛ Howarth, 23.

اند که به زعم آنها اجدادشان در کربلا حضور داشته و امام حسین(ع) را یاری کرده‌اند.^۱ مشارکت هندوان در مراسم محرم در دیگر شهرهای دکن و در دوره دیگر خاندان‌ها حکومتگر نیز، بسیار چشمگیر بوده است. حتی در دوره حکومت هندوی مرتبه‌ها^۲ آیین‌های محرم با جلال و شکوه برگزار می‌شد و اگر ایام محرم با یکی از جشنهای ملی و آیینی آنها چون هولی^۳، مصادف می‌شد، به احترام محرم، از برخی اعمال و آداب ویژه هولی، چشم پوشی می‌کردند.^۴ عبدالطیف شوشتری که در اوایل قرن سیزدهم هجری برخی از شهرهای دکن را دیده است با کمال شگفتی گوید «با این حالات که بویی از مسلمانی و بانگ محمدی نیست، اعظام و متمولین هنود تعزیه‌خانه‌های عالی به تکلف دارند و بعد از دیدن هلال ماه عزا، همگی رخت سوگواری پوشیده و ترک لذات کنند و بسیاری‌اند که بالمره از طعام و شراب کُفّ نفس نمایند».^۵ در برخی از شهرها و روستاهای دکن مراسم و آیین‌های محرم از دوره سلاطین تا امروز، چنان شهرت و شکوهی دارد که ساله افراد زیادی از سراسر هند و گاه کشورهای دیگر برای دیدن این مراسم راهی این مناطق می‌شوند، و عجیب آن که شمار مسلمانان در این مناطق بسیار اندک است و حتی همه ساکنان برخی از این روستاها هندواند و خبری از مسلمانان در آنجا نیست.^۶ این آیین‌ها موجب شده تا هندوان به رغم ماه‌های دیگر سال که حق ورود به مساجد و عاشورخانه‌ها را ندارند، در ایام محرم بتوانند آزادانه به این مراکز رفت و آمد کنند؛ حتی این قانون کهن هندویی نیز که تماس کاست‌های هندو را با یکدیگر ممنوع کرده، در ایام محرم نادیده گرفته می‌شود و همه هندوان فارغ از کاست و طبقه خود، در عاشورخانه‌ها و در دسته‌های عزاداری، با یکدیگر نشست و برخاست می‌کنند. در فرمان‌هایی که سلاطین به مناسبت حلول ماه محرم صادر می‌کردند، در بیان منهیات این ماه بیشتر به ذکر نهی اعمال و رفتاری چون خوردن گوشت و خرید و فروش تنبول^۷ می‌پرداختند که از نظر هندوان نیز در همه یا در برخی از ایام سال، ممنوع بود. پیداست که هدف از صدور چنین فرمانی به گونه‌ای

1. Chinniah, 303.

2. Maratha.

3. Holi.

4. Yusuf Ali, 57.

۵ شوشتری، ۴۳۴، ۴۳۵.

6. Naqvi, 2004, 11-13; Afsar Mohammad, 145, 158-160, 166-167; Chinniah, 303.

7. Tanbul.

جلب رضایت هندوان و تشویق آنها به مشارکت گسترده‌تر در برپایی آیین‌های محرم و نیز نزدیک ساختن آنها با شیعیان بوده است.^۱

دلایل و انگیزه‌های هندوان برای مشارکت در آیین‌های محرم

دلایل و انگیزه‌های حضور هندوان در برگزاری آیین‌های محرم، متعدد و متنوع بوده است. برخی از این دلایل و انگیزه‌ها ناشی از تشویق‌های پادشاهان و دولتمردان مسلمان برای افزایش مشارکت هندوان بوده و پاره‌ای دیگر ریشه در اوضاع سیاسی و اجتماعی دکن و نیز در ترکیب فرهنگی و قومی این منطقه دارد. شماری از مهم‌ترین این دلایل و انگیزه‌ها ذیلماً بررسی می‌شود:

الف: تشویق‌های پادشاهان و دولتمردان شیعی: ترکیب جامعه دکن از نظر نژادی، دینی و فرهنگی بسیار متنوع و نامتجانس بود. علاوه بر هندوان ساکن در این منطقه که متعلق به گروه‌های قومی و فرهنگی گوناگون بودند، مسلمانان دکن نیز از نظر مذهبی و حتی قومی یک‌دست نبوده‌اند. از سوی دیگر بیشتر ساکنان دکن را هندوان و غیر مسلمانان تشکیل می‌دادند. سلاطین دکن نسبت به این تنوع قومی، فرهنگی و دینی آگاهی داشتند و تلاش می‌کردند سیاست‌هایی اتخاذ کنند که موجب رضایت همه گروه‌ها و در نتیجه آسان‌تر شدن کار حکمرانی بر دکن شود. آنان به‌خوبی می‌دانستند که ایجاد خصایص و عادات مشترک فرهنگی، از یک سو زندگی مردمی را که متعلق به فرهنگ‌های گوناگون‌اند، در کنار همدیگر ممکن خواهد ساخت و از سوی دیگر فرمانروایی بر جامعه‌ای که واجد بیشترین آداب و ویژگی‌های مشترک فرهنگی باشد نیز آسان‌تر خواهد شد. به همین دلیل بر اجرای آداب و آیین‌های مذهبی به توسط همه مردم تأکید فراوان می‌کردند. از این میان، آداب و آیین‌های مربوط به محرم که تشابهاتی نیز با برخی از آداب و آیین‌های بومی و هندویی داشت، در رأس برنامه‌های مذهبی و دینی آنها قرار گرفت و تلاش شد با همگانی کردن آیین‌های محرم و کم‌وبیش هندی کردن آن، نوعی فرهنگ و هویت دینی برای حکومت و در بین اتباع خویش ایجاد کنند که خوشایند همه گروه‌های فرهنگی و قومی و قابل پذیرش برای همه آنها باشد. این امر موجب می‌شد که هندوان و حتی اهل سنت بتوانند بدون رها کردن عقاید خویش و پشت کردن به آداب و آیین‌های خود، با اشتیاق و گاه پرشورتر از شیعیان در اجرای آیین‌های

۱. برای نمونه‌هایی از این فرمان‌ها نک: صاعدی شیرازی، ۴۹-۵۰؛ Naqvi, 1999, 143.

محرم مشارکت کنند. چنین نگاهی به آیین‌های محرم بود که پادشاهان سنی‌مذهب آصف‌جاهی و حتی امرای هندوی مرتعی را وادار می‌کرد که با صرف اموال زیاد و پرداخت همه هزینه‌های برگزاری مراسم محرم به تشویق مردم برای شرکت در این مراسم همت گمارند و گاه این پادشاهان به تن خویش در این آیین‌ها مشارکت کنند؛ چنان‌که میر قاسم علی واپسین امیر آصف‌جاهیان، با همه توان از برگزاری این مراسم پشتیبانی می‌کرد و در دوره تسلط بریتانیایی‌ها بر دکن و حتی در دوره استقلال هند نیز حکمرانان ایالتی و ملی این سیاست را دنبال کردند.^۱

حکمرانان و دولتمردان مسلمان برای ایجاد جامعه‌ای که دارای بیشترین خصایص و ویژگی‌های مشترک فرهنگی باشد، اقدام به ایجاد برخی از نمادهای مذهبی برای محرم و ایام سوگواری یا تقویت و برجسته ساختن برخی از نمادهای موجود در جامعه دکن و استفاده از آن‌ها در جهت آیین‌های محرم کردند. برپا کردن علم و گرداندن تعزیه در ایام سوگواری محرم را کم‌وبیش می‌توان به منظور و در خدمت تحقق این هدف دانست. علم و تعزیه (شبهه ضریح امام حسین(ع) که از جنس چوب یا کاغذ ساخته می‌شود، نک: ادامه مقاله) که در ذهن هندوان و در میان آداب و رسوم دینی و معنوی آنها، نمونه‌هایی داشت، در این دوره به صورت نماد آیین‌های محرم درآمد و به‌جرات می‌توان گفت که این دو نماد، بیشترین نقش را در روی آوردن مردم با عقاید و فرهنگ‌های متعدد، به مشارکت هرچه گسترده‌تر در اجرای آیین‌های محرم و نیز در ایجاد فضای مناسب برای همدلی همه گروه‌ها و در نتیجه فراهم ساختن زمینه برای زندگی مسالمت‌آمیز، داشت. تبدیل علم و تعزیه به نماد امام شهید یا هر شخصیت دیگری که در کربلا حضور داشته است، بی شک نتیجه تدبیر دولتمردان مسلمان دکن به‌ویژه ایرانیان و آفاقی‌های^۲ مهاجر بود. آنان به‌خوبی می‌دانستند که هندوان نیز، با تفاوت‌هایی، چنین نمادهایی را برای برخی از خدایان و قدیسیں خویش برمی‌سازند و انتخاب آن به عنوان نماد محرم و

1. Pinault, 20-21; Chinniah, 301; Naqvi, 1999, 140-141; Howarth, 11, 23; Gordon, 228-229.

۲. این عنوان را که به نظر می‌رسد از واژه فقهی آفاقی به معنای کسانی که به خارج از مواجیت حج تعلق دارند، گرفته شده است، مورخان برای اشاره به مهاجرانی که از ایران و عراق و حجاز به هند وارد شده‌اند و نیز متحدان سیاسی آن‌ها، به کار برده‌اند (نک: معصومی، ۲۳۸-۲۴۰).

شخصیت‌های حاضر در واقعه عاشورا، این هندوان را آگاهانه یا ناخودآگاه به حضور در پای این علم‌ها و تقدیم هدایا و نذورات و التماس برای برآورده شدن حوائج، خواهد کشاند.^۱

دولتمردان مسلمان همچنین برای افزایش مشارکت همگان در برگزاری مراسم محرم، علاوه بر مساجد و خانقاه‌ها، مکان‌هایی ویژه به نام «عاشورخانه» در شهرها و روستاهای سراسر دکن ایجاد کردند. این بناها که در عناصر معماری و در تزئینات به شدت تحت تأثیر معابد هندو قرار داشتند، در واقع جایگاه‌هایی بودند که مردم از گروه‌های فرهنگی و قومی گوناگون در فضایی دوستانه و همدلانه در آن جمع می‌شدند. عاشورخانه‌ها سهم بسزایی در ایجاد وحدت و همدلی بین مسلمانان و هندوان داشتند و تنها مکان‌هایی بودند که در ایام محرم مسلمانان و هندوان از کاست‌های مختلف دینی، فارغ از قواعد دینی و مذهبی، با هم در آنجا گرد می‌آمدند، در نتیجه تأثیر مهمی بر زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم دکن داشتند. امکانات رفاهی پیرامون عاشورخانه‌ها چون آب انبار، مهمانخانه، کاروانسرا و باغ‌های سرسبز نیز که برای استفاده عزاداران ساخته می‌شد، در جلب هندوان به شرکت در آیین‌های محرم بی‌تأثیر نبود.^۲

برخی از پژوهشگران برآن‌اند که هدف سلاطین دکن از توجه زیاد به آیین‌های محرم و تشویق هندوان به مشارکت در این مراسم آن بود که هندوان با زندگی در کنار شیعیان به تدریج دین آبا و اجدادی خویش را کناری نهند و به تشیع روی آورند. آنها می‌دانستند که اوضاع فرهنگی و دینی دکن و نیز آداب و عقاید ریشه‌دار هندویی در این منطقه به شیعیان اجازه نخواهد داد که به‌زور و اجبار هندوان را به مذهب خویش درآورند. بنابراین با تشویق آنها به حضور در مجالس مربوط به محرم و عاشورا، سعی داشتند ابتدا آنها را به همدلی با شیعیان وادارند تا در دراز مدت و به تدریج به تشیع بگردند. به علاوه آنها با آسان‌گیری بر هندوان و عدم ممانعت از اجرای برنامه‌های شاد آنها در محرم، تلاش می‌کردند این تصور را که اسلام دینی خشک و بی‌روح و دارای قواعد سخت‌گیرانه است، از اذهان هندوان بزدایند. میر محمد مؤمن استرآبادی دانشمند بزرگ شیعی و از دولتمردان متنفذ دوره قطب‌شاهیان از جمله کسانی بود که گسترش عاشورخانه‌ها و ترویج آیین‌های محرم را بهترین راه برای انداختن محبت اهل بیت در دل‌های هندوان می‌دانست و در این راه تلاش‌های فراوان کرد.^۳

1. Naqvi, 1999, 137, 139.

۲. قادری، ۱۱۵، ۱۳۲؛ Chinniah, 303.

۳. قادری، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۳۲؛ Naqvi, 1999, 137.

ب: اوضاع دین هندو در دوره سلاطین دکن و تشابه میان برخی از آداب هندوان و آیین‌های محرم: بسیاری از آمیختگی‌ها و همگرایی‌های مسلمانان و هندوان در آداب و رسوم و حتی برخی از اعتقادات، از ماهیت التقاطی و سهل‌گیرانه دین هندو نسبت به پیروان ادیان و مذاهب دیگر سرچشمه می‌گیرد. دایره تسامح این دین و نیز محدوده آیین‌ها و رسوم و اعتقادات آن به قدری گسترده است که به راحتی هر آیین و رسم تازه و حتی بیگانه‌ای در آن جای می‌گیرد. شرکت هندوان در آیین‌های محرم، نیز بی‌تأثیر از این ویژگی دین هندو نبوده است. در واقع هر قدیس، صوفی یا شهیدی که فضایی به وی منتسب باشد و از نظر هندوان بتواند منشأ نوعی خیر و نیکی شود، به آسانی زیارت و پرستش می‌شود و انبوهی از مردمان را مجذوب خود می‌کند.^۱

به‌علاوه مطالعه اوضاع اجتماعی و دینی دکن در دوره حکومت سلاطین مسلمان نشان می‌دهد که دین هندو در این دوره بشدت متأثر از آیین بهکتی^۲ بوده است. در این آیین جنبه‌های احساسی و عاطفی پرستش بسیار برجسته و پررنگ می‌شود. توده مردمی که متأثر از این آئین‌اند، رسیدن به معبود را بیش از هر چیز نتیجه آداب و رسومی می‌دانند که از جانب رهبران دینی سفارش شده است. ساخت زیارتگاه‌ها و معابد و زیارت‌پیایی آن‌ها برای پیشکش هدایا و ندورات و خواندن و تکرار سرودهای ویژه‌ای چون منتر^۳ و بهاجان^۴ در ستایش خداوند و به راه انداختن دسته‌هایی برای حمل مجسمه‌های باشکوه و مزین خدایان از جمله این آداب و آیین‌ها است. در واقع زیارت یک معبد یا خواندن یک سرود جنبه‌ای از پارسایی و راه رسیدن به معبود است. به نظر می‌رسد مشارکت گسترده هندوان در اجرای آیین‌های محرم در دوره سلاطین دکن و پس از آن کم‌وبیش برآمده از افزایش تأثیرات آیین بهکتی در میان هندوان بوده است. از نظر آنها زیارت عاشورخانه و علم و تقدیم هدایا و ندورات بدین‌ها، راه رسیدن به معبود و جلب توجه وی است.^۵

تشابه میان آیین‌های مربوط به محرم و برخی از آداب و آیین‌های ریشه‌دار و بر سابقه دین هندو نیز عاملی مؤثر در جلب توجه هندوان به مشارکت در برپایی این مراسم بوده است و بعید نیست که دولتمردان مسلمانی که در پی جذب بیشتر هندوان بوده‌اند و نیز خود هندوان

1. Jafar Sharif, 9.

2. Bhakti.

3. Mantra.

4. Bhajan.

5. Pinault, 17-19.

آگاهانه یا ناخودآگاه بر آداب و آیین‌هایی که جنبه اشتراکی بیشتری داشته، پای فشرده باشند. اعتقاد به قدرت افسانه‌ایی پیرها و مرشدها و افراد مقدس برای برآوردن نیازها، توجه و اعتقاد ویژه به اهمیت ارتباط با ماوراء الطبیعه و تأثیر مستقیم آن در زندگی روزانه و اعتقاد به کارسازی هدایا و نذورات و خواندن و تکرار برخی از اذکار و اوراد خاص، نمونه‌هایی از این تشابه است.^۱ در واقع به نظر می‌رسد مشارکت هندوان در برپایی آیین‌های محرم، پیش و بیش از آن‌که به دلیل گرایش به تشیع یا ابراز عشق و علاقه به امام حسین(ع) و شهدای کربلا باشد، برای آنها تداعی کننده آداب و رسوم و آیین‌های ویژه هندوئیسم است.^۲ به‌گونه‌ای که حتی گاه امام حسین(ع) برای هندوان یادآور الهه مرگ است و در مقام این الهه ستایش می‌شود.^۳ این تشابه و درهم‌آمیزی تا بدان‌جا اهمیت دارد که در بسیاری از مناطق هند و به‌ویژه دکن، به سختی می‌توان از فرهنگ مستقل اسلامی یا هندویی سخن گفت. ریشه قومی مشترک هندوان با مسلمانان و شیعیانی که از دین هندو به اسلام گرویده‌اند نیز این اشتراک و تشابه در اعتقادات و آداب و رسوم را پررنگ‌تر می‌کند. به طوری که به‌جرات می‌توان گفت اشتراکات دینی و مذهبی شیعیان و هندوان دکن با یکدیگر به مراتب بیشتر و پررنگ‌تر است از اشتراک میان شیعیان یا هندوان دکن با همکیشان خود در کشمیر یا لکنهو یا هر منطقه دیگر هند.

تأثیرات پیامدهای مشارکت هندوان در برپایی آیین‌های محرم

مشارکت درازمدت و گسترده هندوان در آیین‌های محرم موجب همزیستی آنها با مسلمانان و شیعیان شده و این همزیستی به تدریج زمینه همگرایی و در نهایت درهم‌آمیزی فرهنگی دو گروه مسلمان و هندو را فراهم کرده است.^۴ درهم‌آمیزی فرهنگی مسلمانان و هندوان از آداب و آیین‌های مربوط به محرم آغاز شد، اما در این حوزه محدود نماند و باعث شد که فرهنگی ترکیبی که بر همه زوایای زندگی اجتماعی و دینی مردم سایه افکنده است، در دکن شکل گیرد.^۵

1. Benson, 50.

2. Ahmad and Donnan 41.

3. Pinault, 14; Meenakshi Khanna, 91.

۴. رحمانی، ۶۵-۶۸.

۵. هدف این مقاله تنها بررسی‌دن همگرایی و درهم‌آمیزی فرهنگی مسلمانان و هندوان در زمینه آداب و آیین‌های مربوط به محرم است و واکاوی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در دیگر شئون زندگی اجتماعی و دینی مردم نیازمند مجال و مقال دیگری است.

تأثیرات و پیامدهایی را که مشارکت هندوان در مراسم محرم بر چگونگی برگزاری این آداب و آیین‌ها در مدت زمان چندین قرن بر جای نهاده، به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی تأثیری که هندوان و آداب و رسوم دینی و اجتماعی آنها بر کل جریان عزاداری و آیین‌های محرم سایه افکنده و همه اعمال و آداب را متأثر ساخته است، و دیگری آن دسته از آداب و رسوم دینی و اجتماعی هندوان که یکجا و گاه با تفاوت‌هایی اندک وارد آداب و آیین‌های محرم شده و به توسط مسلمانان و هندوان اجرا می‌شود.

الف: تأثیرات کلی: آداب و رسوم دینی هندوان اغلب با شادی و رقص و آوازهای آیینی همراه است. به‌علاوه هندیان فستیوال‌ها و جشن‌های زیادی دارند که در سراسر این کشور در اوج شکوه برگزار می‌شود. بنابراین برای پیروان دین هندو حتی تصور مراسمی دینی که سراسر غم و اندوه باشد، دشوار است. همین امر موجب شده که در میان آنان آیین‌های محرم به تدریج از حالت غمگنانه خارج شده، شکل جشن و شادی به خود بگیرد. حتی در برخی از شهرها و روستاهای دکن، محرم به نوعی جشن و شادی لجام گسیخته و «فستیوال» تبدیل شده است. در واقع محرم در دکن از نگاه جامعه‌شناسانه پدیده‌ای عجیب و ترکیب و ملغمه‌ای از دو فرهنگ است که به‌ویژه برای هندوان فرصتی است برای تفریح و نمایش و سرگرمی در کنار پرستش و عبادت. البته این روحیه شاد و شادی آفرین بیشتر مربوط به هندوان یا شیعیان بومی دکن است و در میان شیعیان مهاجر از ایران و سرزمین‌های عربی کمتر دیده می‌شود.^۱

تمایل به جشن و شادی، شرکت‌کنندگان در مراسم محرم را وامی‌دارد تا هر عملی را که بیانگر و تداعی‌کننده شادمانی باشد، با شور و شوق تمام انجام دهند. یکی از نمادهای حس و سرور و رسوم دیرین که در همه مراسم هندوان و به تبع به هنگام برپایی آیین‌های محرم به چشم می‌خورد، استفاده گسترده از چراغ و چراغانی مکان‌های عزاداری است. جراحانی عاشورخانه‌ای که در دربار قطب‌شاهیان قرار داشت و مؤلف حدیقه السلاطین آن را وصف کرده است، بسیار شگفت‌انگیز است. به گفته وی در این عمارت در روز عاشورا مجموعاً بیش از ده هزار چراغ به رنگ‌های گوناگون در چراغدان‌های بزرگ برنجی افروخته می‌شد و در هر چراغدان یکصد و بیست شمع به شکل درختان پر شاخ و برگ قرار داده می‌شد؛ ارتفاع برخی از

شمع‌ها که بر بالای ایوان و اطراف حوض‌ها تعبیه می‌شد، از قامت انسان بلندتر بود.^۱ مؤلف گلزار آصفیه نیز ضمن وصف چراغانی‌های محرم در شهر حیدرآباد در دوره آصف‌جاهیان به توسط ثروتمندان، این مراسم را عجیب و تماشایی دانسته است.^۲ چراغانی‌های محرم اغلب با اعمالی که هندوان در جشن‌ها و آیین‌های دینی خود انجام می‌دهند، چون افروختن آتش، فشفشه‌بازی، نواختن طبل و دهل و دف و برخی دیگر از آلات موسیقی، پوشیدن لباس‌های نو و تمیز، انجام اعمال کمیک و نمایش‌هایی برای تفریح و سرگرمی، سوزاندن عود و مالیدن خاکستر آن بر پیشانی، پخش انواع شیرینی‌ها و تنقلات در بین مردم و تقدیم دسته‌های گل و انواع نذورات و هدایا از جمله نارگیل و برنج و شربت به علم‌ها و تعزیه‌ها، همراه است. گاه حتی رقص‌های ویژه و خواندن سرودهای خاص نیز چاشنی آیین‌های محرم می‌شود. رقص ویژه‌ای به نام «وايه»^۳ در این ایام بسیار رایج است. در این رقص زنان شرکت نمی‌کنند، اما وقتی که مردان می‌رقصند همراه با آنها مرثیه‌هایی را دسته‌جمعی می‌خوانند. حتی گزارش‌هایی از نوشیدن مشروبات الکلی در این آیین‌ها در دست است.^۴ پیرامون آتشی که در درون گودالی به نام «الاه» در عاشورخانه افروخته می‌شود یا آتش‌هایی که در مکان‌های دیگر می‌افروزند نیز زنان و مردان هندو و گاه مسلمان می‌چرخند، بر سر و سینه می‌زنند و رقص‌هایی آیینی انجام می‌دهند و گروهی نیز با چوب و شمشیر حرکات نمایشی انجام می‌دهند و شمار زیادی از مردم برای تماشای این مراسم فراهم می‌آیند. شکوه آتش‌افروزی و نورافشانی در ایام محرم به اندازه‌ای است که آن را با جشن بزرگ و فراگیر هندوان یعنی «دیوالی» (جشن روشنایی و نور) مقایسه کرده‌اند.^۵ برخی از هندوان برای برآورده شدن حاجت‌های خویش به عاشورخانه و علم متوسل می‌شوند. زنانی که بچه‌دار نمی‌شوند نذر می‌کنند که در صورت رفع حاجت فرزند خویش را اگر پسر باشد حسین بنامند و برای چندین سال یا مادام‌العمر به خدمت عاشورخانه بگمارند یا پرچم، شربت، غذا و پول برای خرید عطریات و گل، تقدیم عاشورخانه کنند. برخی از زنانی که حاجت‌روا شده‌اند، موهای خویش را خیس و افشان کرده با آن پیرامون الاهه را جارو می‌زنند. گروهی دیگر از مردم با لباس خیس (کاری که برخی از هندوان به هنگام در گذشت

۱. صاعدی سبزی، ۵۰-۵۱.

۲. حارمان خان، ۵۶۰-۵۶۱.

3. Wayc.

4. Saiyid, 125.

5. Jafar Sharif, 161; Saiyid, 119-120, 123-125; Hollister, 202; Burman, 29; Saheb, 4911.

یکی از اعضای خانواده خویش انجام می‌دهند) در اطراف الاوه غلت می‌خورند، این مراسم همگی از الگوهای هندو گرفته شده است.^۱

یکی از ویژگی‌های برجسته آیین‌های محرم که تأثیر هندوان در آن به‌روشنی دیده می‌شود و همه آیین‌های محرم و حتی جامعه دکن را متأثر ساخته، مرثیه‌هایی است که مسلمانان و هندوان به مناسبت این ایام می‌سرودند. این مرثیه‌ها که اغلب به زبان‌های اردوی قدیم (دکنی) و تلگو^۲ (از زبان‌های دراویدی رایج در دکن) سروده می‌شد و نغمه‌های محرم یا سرودهای محرم نام گرفته‌اند، دربردارنده عناصر فرهنگی بومی و محلی دکن است و تأثیر آداب و آموزه‌های دین هندو را در آیین‌های محرم به‌خوبی نشان می‌دهد. در برخی از این مرثیه‌ها، محرم آشکارا ماه شادی و خوشی و لذت خوانده شده و در برخی دیگر مطالبی که درباره واقعه عاشورا و شهادت امام حسین(ع) آمده است هیچ بهره‌ای از واقعیت ندارد. برای نمونه در یکی از این مرثیه‌ها حضرت فاطمه(س) و امام حسن(ع) نیز در عاشورا حضور دارند و سر امام حسن(ع) و امام حسین(ع) از تن جدا شده و در دامن حضرت فاطمه(س) انداخته می‌شود.^۳ با این حال، نغمه‌های محرم در جامعه دکن تأثیر و کاربرد زیادی یافته و نه تنها با شور و اشتیاق در ایام محرم خوانده می‌شود بلکه به همه شؤون زندگی هندوان و مسلمانان نیز راه یافته و در موقعیت‌های مختلف چون کار در مزرعه، جشن‌ها و دیگر مراسم بومی و محلی تکرار می‌شود. برخی از واژه‌های به کار رفته در این مرثیه‌ها یا اصطلاحات مربوط به فرهنگ عزاداری، تا آنجا در فرهنگ مردم تأثیر گذاشته که به صورت جزئی جدائی‌ناپذیر از فرهنگ آنها شده و گاه در قالب ضرب‌المثل‌ها و کلمات قصار به توسط همه مردم به کار برده می‌شود. چنان‌که مثلاً فرد لاغر بلند قد را به چوب علم تشبیه می‌کنند.^۴

ب: آیین‌های برگرفته از مراسم هندوان: یکی از پیامدهای مهم مشارکت هندوان در مراسم محرم این است که برخی از اعمال و آدابی که آنها در مراسم دینی یا اجتماعی خویش انجام می‌دهند، به شکل کامل یا با تغییراتی اندک وارد آیین‌ها و مراسم ویژه محرم شده است. برخی از مهم‌ترین این آداب بدین قرار است:

1. Afsar Mohammad, 160, Jafar Sharif, 158, 166-167; 181.

2. Telugu.

3. Raju, 19-21.

4. Howarth, 11; Chinniah, 302-303; Rizvi, 2/355-356; Naqvi, 2004, 11-12; Raju, 16-21.

تعزیه گردانی

هندوان در برخی از مراسم دینی و آیینی یا جشن‌های خود، مجسمه‌خدايي را که این مراسم به او تعلق دارد با شاخه‌های گل و انواع و اقسام تزئینات دیگر می‌آرایند، سپس این تمثال بر روی دوش گروه کثیری از مردم حمل می‌شود و در مسیر حرکت، هر حاجتمندی به تناسب حاجت و توانایی مالی خویش، هدایا و نذورات گوناگون تقدیم این پیکره می‌کند و مردم به طرق مختلف چون بستن دخیل و گذشتن از زیر مجسمه ارادت خود را به آن نشان می‌دهند و برای برآوردن حاجت‌های خویش به دعا و راز و نیاز می‌پردازند. در پایان، این مجسمه را در آب رودخانه یا برکه‌ای خاص به نشانه پایان مراسم فرو می‌برند یا در مکانی ویژه دفن می‌کنند و در حالت نخست آبی را که از آن می‌چکد به عنوان تبرک بر سر و صورت خویش می‌مالند.

در مراسمی که برای بزرگداشت الهه مادر یا دورگا^۱ هر ساله به مدت ده روز بر پا می‌شود و در واقع جشن پیروزی خیر بر شر است و دورگا پوجا^۲ (ستایش دورگا) یا ویجیا دسمی^۳ (پیروزی ده روزه) نام دارد، چنین آیینی برگزار می‌شود و در روز دهم یا دوسهرا^۴ پیکره الهه مادر یا همسر شیوا را در آب فرو می‌برند. قربانی کردن بز و گوسفند و بوفالو برای پیکره، از جمله آیین‌های این مراسم است.^۵

در فستیوال بزرگ راتها یا ترا^۶ که در برخی از شهرهای هند به یاد و برای ستایش کریشنا کریشنا برگزار می‌شود نیز تمثال بزرگ معبد کریشنا و مجسمه چند تن دیگر از خدایان با تزئینات کامل در شهر گردانده می‌شود و جمعیتی انبوه دهل‌زنان و شیپوردمان در حالی که سرودهایی می‌خوانند آن را همراهی می‌کنند و در پایان، تمثال‌ها را در آب فرو می‌برند.^۷

تعزیه گردانی در ایام محرم در دکن، تقلید کاملی از آیین‌های فوق است. تعزیه، شبیه ضریح امام حسین(ع) است که در مقیاس کوچک‌تر از جنس چوب یا کاغذ به توسط شیعیان و هندوان ساخته می‌شود. آنان این تعزیه را با تزئینات و تشریفات کامل و تماشایی در کوچه‌ها می‌گردانند و در پایان در آب فرو می‌برند یا در محلی ویژه که کربلا خوانده می‌شود، دفن

1. Durga.

2. Durga Puja.

3. Vijaya Dasami.

4. Dusschra.

5. De Tassy, 33, 53; An alphabetic list of feasts and holidays of Hindus and mohammedans, 24-26, 83.

6. Ratha Yatra.

7. Ahmad and Donnan, 41; Alphabetic list of ..., 68.

می‌کنند. به‌علاوه شبیه تابوت امام حسین(ع) یا دیگر شهدای کربلا نیز به همان شیوه تعزیه ساخته شده و حمل می‌شود. تعزیه‌گردانی در دکن رسمی دیرین است و گزارش‌هایی از ساخت تعزیه از دوره سلاطین دکن و پس از آن در دست است.^۱ ساخت تعزیه به توسط هندوان و مشارکت آنها در گرداندن تعزیه و آداب و رسوم و نذر و نیازهایی که به هنگام حمل آن به جای می‌آورند از نکات جالب توجه در مراسم تعزیه‌گردانی است و به نظر می‌رسد هندوان با همان آداب و اهداف و شور و هیجانی که در آیین‌هایی چون دورگا پوجا و راتها یاترا شرکت می‌کنند در آئین تعزیه‌گردانی نیز مشارکت دارند. هندوان و مسلمانان، تعزیه را مقدس می‌دانند و برای برآورده شدن حاجات خویش در برابر آن سجده می‌کنند، بر خاک می‌افتند، با لباس خیس غلت می‌خورند، بدان دخیل می‌بندند، از زیر آن می‌گذرند، آبی را که از آن می‌چکد برای افزایش بینایی به چشم می‌مالند، قربانی می‌کنند و انواع هدایا و نذورات پیشکش آن می‌کنند.^۲

مهندی^۳ (حنا بندان)

در عروسی هندوان رسم بر آن است که خانواده عروس طبق‌هایی از حنا را که با گل و کاعذ تزئین شده به‌همراه لباس و انواع شیرینی‌ها و با جلال و شکوه تمام به خانه داماد می‌فرستد و داماد و دیگر شرکت‌کنندگان در مراسم عروسی دست و پای خویش را حنا می‌بندند به هنگام درگذشت یک جوان ناکام و در مراسم ختم وی نیز مراسم حنا‌بندان برپا می‌شود. یکی از آیین‌های پر شور محرم به تقلید از هندوان برپایی مراسم حنا‌بندان برای قاسم بن حسن است که در واقعه کربلا به شهادت رسید و بنا بر مشهور در زمان شهادت، تازه داماد بود؛ بدین قرار که به یاد عروسی قاسم و سکینه طبق‌هایی از حنا به همراه سایر چیزهایی که در عروسی لازم است چون انواع شیرینی‌ها، میوه‌های خشکیده و دسته‌های گل در خیابان‌ها می‌گرداند و آن را در مقبره‌های نمادینی که برای قاسم ساخته‌اند، می‌برند و تا دهم محرم در آنجا باقی می‌گذارد و سپس به همراه تابوت‌ها، این طبق‌ها را نیز در زمین موسوم به کربلا دفن می‌کند حمل طبق‌های حنا با چراغانی‌های مفصل و نواختن موسیقی همراه است.^۴ مرثیه‌هایی که به مسرت

۱. خان‌زمان خان، ۵۷۵؛ شوشتری، ۴۳۴؛ بهیمنی کرمانشاهی، ۳۸۸؛ قادری، ۱۳۲.

2 Jafar Sharif, 166, 183; De Tassy, 33, 53, 154; Burman, 29; Chinniah, 303; Saiyid, 123.

3 Mhendi

4 De Tassy, 129-130; Jafar Sharif, 161; Rizvi, 2/355; Alphabetic list of..., 105-106; platts, 1108-1109.

مناسبت مراسم مهندی سروده و خواند می‌شود نیز نشان می‌دهد که بسیاری از آداب و رسوم هندوان درباره مراسم نامزدی و عروسی و ازدواج، با حضرت قاسم و عروسی وی تطبیق داده شده است.^۱

فقیر شدن

یکی از آیین‌های محرم که به تقلید از آداب و رسوم هندوان در دکن و برخی دیگر از مناطق شبه قاره از دوره حکومت‌های مسلمان رایج بوده است، آیین فقیر شدن است. در دهه نخست ماه محرم بسیاری از مردم مسلمان و هندو لباس‌های عجیب و غریب و گاه مندرس می‌پوشند و کلاه‌های بزرگ دنباله‌دار بر سر می‌نهند و زنگوله‌هایی بر کمر خویش می‌بندند یا با پوشیدن لباس‌های ویژه از پوست حیوانات و رنگ‌آمیزی بدن و سر و صورت خویش، خود را به شکل حیواناتی چون شیر، شتر، ببر، میمون و غیره در می‌آوردند و با تشکیلات منظم و گروه گروه در حالی که اشعار و ترانه‌هایی می‌خوانند و موسیقی‌های محلی می‌نوازند، در شهر می‌گردند و حرکات نمایشی انجام می‌دهند و در مسیر حرکت هدایا و کمک‌های مردم را جمع‌آوری کرده وارد عاشورخانه‌ها می‌شوند. در واقع با این کار به زعم خویش «لباس دنیاداری را ترک کرده رخت فقیرانه می‌پوشند». فقیر شدن یکی از هیجان‌انگیزترین آیین‌های محرم در دکن است که به جرأت می‌توان گفت همه آداب این ماه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. افرادی که فقیر شده‌اند گاه همانند حیواناتی که خود را به شکل آنها درآورده‌اند، به نبرد با هم می‌پردازند یا مثلاً آنها که شیر شده‌اند، با دندان حلقوم گوسفندی را سوراخ می‌کنند. این آیین که در برخی از مراسم ویژه هندوان رایج است و سوانگ^۲ خوانده می‌شود به احتمال قوی به توسط آنها به آیین‌های محرم راه یافته است.^۳

نتیجه

از میانه قرن هشتم هجری که به تدریج زمینه‌های رشد و گسترش تشیع در دکن فراهم شد تا قرن نهم و دهم که این مذهب در برخی از مناطق دکن رسمیت یافت و پس از آن، آداب و

1. Naqvi, 2004, 22-23.

2. Swang.

3. صاعدی شیرازی، ۵۸: خان‌زمان خان، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۴-۵۶۵؛ شوشتری، ۴۳۵؛ بهیانی کرمانشاهی، ۱: ۳۸۸.

Jafar Sharif, 189-216; Naqvi, 2004, 7-8; Chinniah, 301; Yusuf Ali, 57

آیین‌های شیعی به صورت جزئی جدائی‌ناپذیر از فرهنگ مردم دکن درآمد. در این میان آداب و آیین‌های مربوط به محرم نقش و جایگاه ویژه‌ای در این منطقه ایفا کرده است. سلاطین مسلمان دکن و نیز دولت‌مردان شیعی به دلایل و انگیزه‌های گوناگون به ترویج آیین‌های محرم و تشویق همگان به به‌ویژه هندوان، به مشارکت در این مراسم، همت گماردند. آنها با ایجاد عاشورخانه‌های متعدد در شهرها و روستاهای دکن زمینه حضور گسترده هندوان را در برپایی آیین‌های محرم فراهم کردند به‌گونه‌ای که در برخی از این شهرها و روستاها که مسلمانان و شیعیان در اقلیت بودند و حتی گاه همه مردم بر دین هندو بودند و هیچ خبری از مسلمانی نبود، آیین‌های محرم با جلال و شکوه برگزار می‌شد و هندوان خود به تشکیل دسته‌های عزاداری و ایجاد عاشورخانه و برپا ساختن علم و تعزیه گردانی و تقدیم هدایا و نذورات به هدف رفع حوایج خویش، می‌پرداختند. مشارکت هندوان در این مراسم علاوه بر این که موجب همزیستی و همگرایی و گاه درهم‌آمیزی مسلمانان و هندوان شد و با ایجاد جامعه‌ای که دارای ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مشترک است، فرمانروایی مسلمانان را بر این منطقه تسهیل کرد، زمینه تأثیر آداب و رسوم هندوئی را بر آیین‌های محرم فراهم ساخت به‌گونه‌ای که به تدریج آیین‌های محرم رنگی کاملاً بومی و محلی به خود گرفته و گاه اعمال و آداب و اعتقادات رایج در میان مردم دکن، پیرامون واقعه کربلا و مراسم محرم، هیچ ارتباطی به واقعیت حوادث ندارد. بنابراین، ضمن این که محرم به یک جشن و فستیوال هندی تبدیل شده و جنبه‌های غمگنانه آن از میان رفته یا بسیار ضعیف شده است، امام حسین(ع) نیز گاه در مقام الهه مرگ ستایش می‌شود. نفوذ آداب و اعتقادات بومی در آیین‌های محرم تا جایی است که به‌جرات می‌توان گفت همه اعمال و آدابی که در باره محرم در این منطقه مرسوم است مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از آداب دین هندو است. حاصل سخن آن که بر پایی آیین‌های محرم هر چند به دست سلاطین شیعی و با هدف بهره‌برداری سیاسی آغاز شد، اما نه یک رسم و عادت شیعی و اسلامی بلکه آیینی کاملاً بومی و محلی و گاه بی ارتباط با واقعه عاشورا است و این آیین‌ها نتیجه مشارکت گسترده هندوان در برپایی آنها در حدود پنج قرن گذشته است.

کتابشناسی

- شهبهانی کرمانشاهی، آقا احمد بن محمد بن علی، *مرآت الاحوال جهان نما*، چاپ وحید بهبهانی، قم ۱۳۷۳.
- خانزمان خان، خواجه غلامحسین خان، *تاریخ آصفجاهیان (گلزار آصفیه)*، چاپ محمد مهدی توسلی، اسلام آباد، ۱۳۷۷ ش.
- رحمانی، جبار، مناسک و آیین‌های شیعی در هند، تهران ۱۳۹۱.
- صاعدی شیرازی، نظام‌الدین احمد بن عبدالله، *حدیقه السلاطین قطبشاهی*، چاپ علی اصغر بلگرامی، حیدرآباد دکن، ۱۹۶۱.
- شوشتری، میر عبدالطیف خان، *تحفه العالم و ذیل التحفه*، چاپ صمد موحد، تهران ۱۳۶۳.
- قادری، سید محی‌الدین، *میر محمد مؤمن استرآبادی مروج تشیع در جنوب هند*، ترجمه عون علی جاروی، قم ۱۳۸۷ ش.
- معصومی، محسن، *فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی دکن در دوره بهمنیان*، تهران ۱۳۸۹ ش.

Ahmad, Akbar S. and Hasting Donnan, (Ed.), *Islam, Globalization and postmodernity*, 1994.

Afsar Mohammad, *Telling stories: Hindi-Muslim worship in south India*, in *Journal of Hindu studies*, June 2010.

An alphabetical list of feasts and holidays of Hindu and Muhammadans, Imperial record department, Calcutta, 1914.

Benson, Jane E., Political and Muslim ethnicity in south India, In *Journal of Andthrological research*, Vol. 39, No. 1, (Spring 1983).

Burman, J. J. Roy, *Hindu-Muslim syncretic shrines and communities*, New Delhi, 2002.

Chinniah, Tharalla Isaac, Inter-cultural relations between the Hindi and Muslim communities in India with special reference to Andhar Pradesh, in *Journal of Muslim minorit affairs*, Vol. 2, No. 1-2, 1990.

Gordon, Stewart, Hindus, Muslims and the others in eighteenth century India, in *International Journal of Hindu studies*, Vol. 3, No. 3, (dec. 1999).

De Tassy, Garcin, *Muslim festivals in India and other essays*, Trans. And ed. By M. Waseem. Oxford, 1997.

Jafar Sharif, *Islam in India or Qanun -i- Islam, The customs of the Musamans of India*, trans. G. A. Herklots, New Delhi, 1999.

Hollister, John Norman, *The Shi'a of India*, Delhi, 1979.

Howarth, Toby M., *The twelver Shia as a muslim minority in India*, London, 2005.

Mccnakshi Khanna, *Cultural history of medieval India*, New Delhi, 2007.

Naqvi, Sadiq, *Iranian Afaqies contribution to the Qutb Shahi and Adil Shahi kingdms*, New Delhi, 1999.

Naqvi, sadiq, Moharram ceremonies among the non-muslims during the Qutb Shahi period, in *The Mohrram ceremonies among the non-muslims of Andhra Pradesh*, Ed. Sadiq Naqvi and V. Kishan Rao, Hyderabad, 2004.

Pinault, David, *Ritual and popular piety in Muslim cimmunity*, The Shiites, New York, 1992.

Raju, B. Rama, Moharram folk-songs in Telugu, in *The Mohrram ceremonies among the non-muslims of Andhra Pradesh*, Ed. Sadiq Naqvi and V. Kishan Rao, Hyderabad, 2004.

Rizvi, Sayid Athar Abbas, *A socio- intellectual history of the Isna Ashari Shiis*, Ausralia, 1986.

Saheb, S. A. A., Dudekula of Anhra Pradesh, an ethnographic profile, in *Economic and political weekly*, Vol. 38, No. 46< (Nov. 15021, 2003).

Saiyid, A. R., Ideal and reality in the observance of Moharram, a behavioural interpretation, in *Ritual and religion among Muslims in India*, ed. Imtiaz Ahmad, Delhi, 1984.

Yusuf Ali, *A cultural history of India during the British period*, Bombay, 1940.